

171#؛ مسکوی کوچک افغانستان؛ 187#؛ روایتی از عاشقانه‌های یک مادر شهید مدافع حرم



شناسه خبر: ۱۳۵۶۱۳ چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۲ - ۱۶:۱۰

«معصومه حلیمی» در تازه‌ترین اثر خود با عنوان «مسکوی کوچک افغانستان» به سراغ زندگی مادر شهید مدافع حرم افغانستانی رفته است.

به گزارش موج خبر، مسکوی کوچک افغانستان بر اساس زندگی «نجیبه اصغری» مادر «احمد شکیب احمدی» از شهدای لشکر فاطمیون است که به قلم معصومه حلیمی در انتشارات سورهمهر به چاپ رسید.

کتاب شرح زندگی و مشقت‌های بانویی است که به دلیل وضعیت متلاطم زندگی در زادگاهش، دایم در میان کشورهای افغانستان و پاکستان و ایران در سفر است و ابتدا اعضای خانواده‌اش را در جنگ‌های افغانستان از دست می‌دهد و در ادامه، احمد تنها پسرش را هم در راه دفاع از حرم حضرت زینب(س) فدا می‌کند.

داستان از خانه کودکی نجیبه در کابل آغاز می شود و در ادامه به نسل کشی قوم هزاره و شهادت خانواده نجیبه می رسد و تا آنجا ادامه پیدا می کند که احمد تنها امید و انگیزه زندگی نجیبه تصمیم می گیرد، برای حضور در جبهه سوریه درس و دانشگاه را در کابل رها کند و به ایران بیاید. در نهایت شهید شکیب احمدی در سال 1395 به سوریه اعزام می شود و دو سال بعد به شهادت می رسد.

کتاب سراسر واگویه های مادرانه است که نگرانی و عشق یک مادر به تنها فرزندش را به تصویر می کشد.

«مسکوی کوچک افغانستان» در 45 فصل، 232 صفحه و با شمارگان 1250 نسخه با قیمت 145 هزار تومان در بازار کتاب و دسترس علاقه مندان قرار دارد.

در بخشی از کتاب می خوانیم:

«سعی کردم چشم هایم را ببندم و بخوابم. اما هرچه به پلک هایم فشار آوردم خواب به چشمانم نیامد. کمی که از دردم کاسته شد، چشم گشودم. احمدم غرق کتاب بود. صدایش زدم احمد جان چه می خوانی؟ نمی خوی بخوابی؟

کتاب را بست و لبخند روی لبش آمد.

- زندگانی حضرت زینب(س).

از جایش بلند شد و به تختم نزدیک شد.

- مادر یک چیز جالب!

- چی مادر جان؟

- شما مثل حضرت زینب هم دختر شهید هستید، هم خواهر شهید.

کمی مکث کرد.

- ان شاءالله مادر شهید هم می شوی.

دوباره درد به سرم چنگ انداخت. خشم تمام وجودم را پر کرد.

- احمد همین فردا با من بر می گردی! برو وسایلت را جمع کن.

خنده ی چاپلوسانه روی صورتش آورد و به من نزدیک شد. دست هایم را گرفت و بوسه باران کرد.

- مامان شوخی کردم. کو تا شهادت!!! شهادت لیاقت می خواد که ما نداریم.

فردای آن روز برگشتم، اما دلم را هم در حرم بانوی دمشق جا گذاشتم.»

انتهای پیام/

انتهای پیام/